

## عالیجاها ، رفیع مکانا ، سلالة الاعاضما ، عمدة الاکابر والافاخما

مطالبی که نوشته بود معلوم شد. جواب همه آنها به قراری است که به عالیجاه میرزا حسن به تفصیل ، و به آن عالیشان هم به همان تفصیل می نویسد، از آن قرار مستحضر خواهد شد.

در باب بیگدلی ، بیلاق آنها را نوعی مشخص نمود، و عالیجاه محمد زمان خان<sup>۲۴</sup> در میان آنها هست، که آنها را در بیلاق جابجا، و سواره آنها را تدارک، و جفت ایشان را روانه به سنبول<sup>۲۴</sup> (؟) نماید. اما چون ایل بیگدلی به هرزه گردی و در بدری و تفرقگی عادت کرده اند، گاه باشد بنا بر عادت سابق يك خانه و دو خانه و زیاده جسته جسته به جای دیگر برود، و در نزد این و آن پنهان و پوشیده شود. اگر محمد زمان خان بی التفتی ازین حرکت آنها نماید، و دربند آوردن و جمع کردن آنها نباشد، کار از نظام افتد، رفته رفته پراکنده می شوند، و اگر دقت و اهتمام در آوردن آنها را مضبوط بدارد، اگر دو خانوار سه خانوار به نزدیکی رفته باشد چنانکه رفته اند- محصل روانه کند بیاورد، گاه باشد عالیجاه نظر علیخان<sup>۲۲</sup> رنجیده بشود و به مقام شکوه و شکایت بیاید. امنای دولت پیش از آنکه از این مقوله امور رون داده است چاره آن را بکنند، و به عالیجاه نظر علی خان قدغن بفرمایند، که در فکر این کارها نباشد که «بیگدلی شاهسون است، به مشگین و به شاهسون رفته است. صاحبی نماید، و یاهوا به کسی بدهد !» بلکه قدغن

بکند که هرگاه با بی‌خانه از بیگدلی به نزدیکی برود، خود آن‌خانه را آورده به کدخدایش بسپارد، تا انشاءالله تعالی بدین وسیله امر بیگدلی مضبوط باشد، تفرقگی و پراکندگی روندهد.

در باب اهتمام و دقت در صاحب منصبها عموماً و در سرهنگک خصوصاً، اگر چه خدمت خدمت نایب‌السلطنه روحی فداه راست، اما چون درین ولایت در مقابل دشمن همه اوقات به کار من خواهند آمد، بر من واجب والزم است که لازمه اهتمام و دقت در صاحب‌منصبان و تاپین يك بيك بکند، و دقیقه‌ای غفلت نکند، زیرا که نایب‌السلطنه تقدیم این خدمت را به عهده این جانب مقرر فرموده‌اند، نیک و بد را از من مؤاخذه خواهند فرمود. و من نیز آنچه اهتمام است درین خصوص کرده‌ام. عموم بیگزادگان و کدخدا پسران و معارف و غیر معارف ولایت را جمع نموده‌ام، صاحب منصبها را مشخص و سرباز را جابجا کرده‌ام، هارت صاحب هم حاضر است، خواهد دید و دقتها خواهد کرد. انشاءالله تعالی در وقتی به نظر مبارک نایب‌السلطنه روحی فداه خواهد رسید، اگر موقع تحسین یافت و مقبول طبع اشرف والا گردید. باعث ظهور مزید مرحمت و شفقت خاطر اقدس نایب‌السلطنه و موجب حصول سرافرازی و مباحات این جانب خواهد شد، والا خدا نخواستہ خلاف مطلوب به ظهور برسد، خجلت عمل ناقص خود را خواهم کشید. درین صورت چرا باید لازمه اهتمام به عمل نیاورد، و خود را مورد طعن نماید؟ اما در باب سرهنگک هر چه جستجو کردم و فکرها به کار بردم، بهتر ازین نیافتم انشاءالله تعالی درین خصوص عیبی و نقصی رونخواهد داد.

درباب املاک مشکین قراچورلو اسد سلطان<sup>۲۳</sup> را مقرر فرموده‌اند

که دعوی املاک مزبور را موافق شرع طی نماید، دراینکه املاک قراچورلو بعضی خاک مشکین و بعضی خاک قراداغ و همه ملک زر خرید و بهره دار قراچورلو است کسی را حرفی و سخنی ندارد، گفتگو در زراعت کردن و ضبط شاه مالی<sup>۲۴</sup> نمودن است. که به موجب فرامین پادشاهان سلف و رقم مبارک همیشه قراچورلو زراعت کرده اند و شاه مالی را ضبط نموده اند، مگر چند وقتی شکر آقا<sup>۲۵</sup> طغیان ورزیده مانع آنها شد، و از عطاخان کاغذ در دست دارند که شکر آقا را از آن حرکت منع کرده است. درین صورت گفتگوی شاه مالی با اهالی شرع چه مناسبت دارد؟ درین خصوص حکم حکم نایب السلطنه است، به هرچه حکم فرمایند مبارک و مطاع است. اگر چه مراعات جانب عالیجاه نظر علی خان لازم است، اینها هم ایل و نوکر سرکار والا است، ملک حسابی خودشان را مالک نباشند چگونه به کار خدمت دیوان می آیند؟ والا در بهره و ملک زر خرید و حسابی بودن آنها حرفی و گفتگویی نیست.

درباب سرباز خانم رودی، به روشی که نوشته بود، سایهٔ مرحمت نایب السلطنه کم مباد. انشاء الله تعالی دستة سرباز آنها را تمام و مصدر خدمت خواهد ساخت، و کاغذ خاطر جمعی خانوار رفته را که نوشته است بسیار خوب.

درباب امر عالیجاه مصطفی خان از صدقهٔ فرق مبارک نایب السلطنه با کمال اعزاز و احترام آورده، در چمن میدان لر که در میان دودانگه و ۲ دانگه واقع است ساکن ساخته است، اما در صحرا لایق به حال او نیست که بنشیند. باید کوچ سلیمان برود او را جایجا نماید،

مبادا کوچک خان رفته است بنای ماندن کوچ سلیمان را در ۲ دانگه کماکان بکنند، که صورت نپذیرد و امکان ندارد. باید کوچ او برود و مصطفی خان را به فراغ بال جابجا نماید، غیر از این نکنند که قبول نخواهم کرد.

درباب کر معلی سلطان که از کفر به اسلام آورده، و به امید مرحمت نایب السلطنه از دیار کفر به ولایت اسلام آمده است. مردی خوب و کارآمد، و در هر خدمت و در امر خسته<sup>۳۶</sup> به کار می آید. پارسال نایب السلطنه به استحضار عالیجاه میرزا محمد علی<sup>۳۷</sup> یکصد و پنجاه تومان مرحمت فرمودند، چون کفاف خرج او را نمی کرد قبول نکردم. البته در امر او بنائی بگذارند، که از صدقه سر مبارک نایب السلطنه برای او خوب بگذرد.

درباب ۶ ماهه و سالیانه سرباز که حواله مشکین خواهند کرد، بهر جا که حواله خواهد شد مقرر بفرمایند که زود وصول بشود، و به کار سرباز بیاید.

درباب وجه مستمری حیدرقلی خان به عالیجاه میرزا حسن نوشتم، آن عالیشان هم مستحضر خواهد شد.

مطالب را عرض تمام (؟) و نوشته بود که شترهای معلوم را نایب السلطنه مرحمت فرمودند. عمر و دولت جاوید مدت نایب السلطنه زیاد باد، و از اسبان سیاه شده برخی تلف و برخی مادیان است، در نوشته علیحده نوشته ام، معلوم خواهد کرد.

پشت نامه: عالیشان سلاله الاعاظم علی پاشا بیگ مفتوح نمایند.

مهر: لاله الاالله الملك الحق المبين، عبده امیرگونه.